

جایگاه حجاب در ایران باستان و تقویت هویت فرهنگی

ایران معاصر

فهیمة شیخ شاعی^۱

چکیده

تاریخ پوشاک بخشی از تاریخ تمدن و فرهنگ است که سهمی بزرگ در هویت فرهنگی هر ملت دارد. این مقاله، با هدف معرفی «فرهنگ والا و اصیل پوشش و لباس ایرانیان تا قبل از ورود اسلام»، که خود ریشه‌ای عمیق در تاریخ دارد، با مطالعه متون و آثار مرتبط بر جای مانده، این موضوع را بررسی کرده و هماهنگی و همسویی‌های غیرقابل انکار آن را با «هویت اسلامی» روشن ساخته است. پاسخ به پرسش‌هایی از قبیل اینکه آیا پوشش کامل در ایران باستان وجود داشت یا در دوره اسلامی وارد ایران شد؟ آیا حجاب و پوشش فقط مختص زنان بود؟ آیا حجاب برتر (چادر) برای زنان از دوران اسلامی وارد ایران شده است یا ریشه‌ای ایرانی دارد؟ آیا در طول تاریخ داشتن حجاب مایه فخر و مباهات بوده است یا بدحجابی و پوشش نامناسب؟ و اینکه دیدگاه دنیای معاصر درباره این امر چگونه است؟ می‌تواند از یک طرف جایگاه پوشش و حجاب در «فرهنگ ایران باستان» و همسویی‌های آن با «فرهنگ ایران اسلامی» را تبیین کند و از سوی دیگر بر اساس آن بستر مناسبی برای بازسازی و تقویت «هویت فرهنگی ایران معاصر»، که تا حدود زیادی تحت تاثیر «فرهنگ غربی» است، بوجود آورد.

نتیجه این پژوهش نشان می‌دهد پوشش تمام بدن برای مردان و زنان ایرانی در دوره‌های تاریخی مورد بررسی (از ایلامیان تا ساسانیان) وجود داشته است و حجاب کامل و برتر برای طبقه بالای اجتماع و خواص جامعه یک ضرورت بوده است.

کلیدواژه‌ها: ایران باستان، ایران معاصر، تاریخ پوشاک، تاریخ حجاب، هویت فرهنگی

۱۲ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

مقدمه

هویت فرهنگی هر ملت، حاصل خودآگاهی نسبت به انباشتی تاریخی از تجربه‌های فرهنگی آن ملت است که در طول زمان شکل گرفته است. طبعاً این معنا در مورد کشوری چون ایران از اهمیت زیادی برخوردار است چرا که پیشینه تاریخی - تمدنی آن به هزاران سال می‌رسد که مجموعه‌ای بی‌نظیر از انباشت‌های گوناگون تجربی را در خود اندوخته است (آشنا و روحانی، ۱۳۸۹: ۱۶۲). البته حفظ این هویت کاری بس دشوارتر از ایجاد و تولید آن است. چرا که اگر در ارتباطات بین فرهنگ‌ها، یک فرهنگ بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند، داد و ستد فرهنگی به لایه‌های عمیق آن فرهنگ نیز سرایت می‌کند و به مرور زمان فرهنگی که به عقاید و آرمان‌های خود پشت کند تحولات هویتی پیدا می‌کند. فرهنگی که در مسیر تحولات هویتی خود ارزش‌ها و عقاید فرهنگ دیگر را قبول کند، به آن فرهنگ ملحق می‌شود. اما فرهنگی که با حفظ عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های خود با فرهنگ‌های دیگر تعامل و داد و ستد داشته باشد، زمینه گسترش و توسعه خود را فراهم می‌آورد. در همین زمینه، خودباختگی فرهنگی یک آسیب عمیق فرهنگی است که مانع تعامل و داد و ستد فرهنگی می‌شود. فرهنگ هنگامی به داد و ستد و تعامل فرهنگی می‌پردازد که افراد متعلق به آن، به‌گونه‌ای فعال بر اساس نیازها و مسائل درون‌فرهنگی با فرهنگ دیگر رویارو شوند. اما اگر افراد یک جامعه مبهور و مقهور جامعه دیگر شوند و در نتیجه آن، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست دهند، در آن جامعه خودباختگی فرهنگی رخ می‌دهد. جامعه‌ای که در طول تاریخ به خودباختگی فرهنگی گرفتار می‌شود، عناصر فرهنگ دیگر را در سطوح گوناگون، بدون تحقیق و گزینش و به‌گونه‌ای تقلیدی فرامی‌گیرد. جامعه خودباخته به دلیل این که ارتباطش را با فرهنگ و تاریخ خود از دست می‌دهد و به روش تقلیدی عمل می‌کند، نه امکان تداوم و بسط فرهنگ گذشته خود را دارد و نه توان عبور و گذر از آن و نه می‌تواند به فرهنگ دیگری که در مقابل او قرار گرفته و مقهور آن شده است، ملحق شود (ادوارد، ۱۳۸۹).

جایگاه حجاب در ایران باستان و تقویت هویت فرهنگی ایران معاصر ❖ ۱۳

فرهنگ به معنای عام خود شامل دو بخش مادی و غیرمادی است. تاریخ پوشاک، بخشی از تاریخ تمدن و فرهنگ انسان است و جزئی از فرهنگ مادی به شمار می‌رود (فاضلیان، ۱۳۸۹: ۶۷). بنابراین بررسی و شناخت تاریخ پوشاک و لباس، از راهکارهای شناخت فرهنگ ادوار گذشته هر تمدنی است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که پوشش تمام بدن در دوره‌های مختلف تاریخی چه نزد زنان و چه نزد مردان در ایران یک حقیقت بوده است و به هیچ وجه ایرانیان در برهنگی به سر نمی‌برده‌اند. برخی معتقد هستند که این پوشش کامل و آراسته به نوعی ریشه به وجود آمدن حجاب در دنیا است (راسل، ۱۹۲۹: ۱۳۵؛ دورانت، ۱۹۳۹: ۷۸).

این مقاله، با پرداختن به سیر تاریخی فرهنگ پوشش در ایران باستان، سعی بر روشن‌سازی یکی از مؤلفه‌های «هویت ایرانی» مردم ایران دارد و می‌تواند ما را در فهم بهتر و بیشتر انباشت‌های فرهنگی مان، به منظور انتخاب تصمیمی درست در نگرش‌های امروز و فردا و جلوگیری از خودباختگی فرهنگی در هنگام داد و ستد و تعامل فرهنگی با سایر کشورها و فرهنگ‌ها، یاری رساند.

سیر تاریخی پوشاک در ایران

در بررسی و مطالعه تاریخ پوشش و لباس، تحولات شکل و فرم لباس قابل توجه است چرا که با تغییر نوع پوشاک، رفتارهای فرهنگی و اجتماعی، جامعه نیز دستخوش تغییر و تحول می‌شود. بر اساس مطالعات انجام گرفته در این زمینه، نگرش ایرانیان از قدیم‌ترین ایام تا قبل از کشف حجاب در زمان پهلوی اول، درباره لباس پوشیدن تغییر اساسی نداشته است. اگر چه، آنان در گذر زمان سعی کرده‌اند شیوه لباس پوشیدن را متناسب با شرایط متغیر زمانه خود هماهنگ سازند.

۱۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

به جز متون نوشتاری، منابع مختلف دیگری نیز ما را در بازسازی شیوه پوشش در ایران باستان، کمک می‌کنند. از جمله کشف آثاری هر چند کم از منسوجات^۱، پیکره‌های ملبس فلزی، گلی و...، تصاویر منقور بر مٔهرها و نقش برجسته‌ها یا تصاویر منقوش بر دیوارها و ظروف. در ادامه سیر تاریخی پوشاک در ایران قبل از اسلام بیان می‌شود:

۱- دوره ایلامیان^۲

در چهار هزار سال پیش از میلاد، در محل فعلی خوزستان، تمدنی به نام ایلام حضور داشت که دارای استقلال تمدن، فرهنگ، خط و زبان بود. هر چند، این تمدن در همهٔ زمینه‌ها دارای ریشه و وجوه مشترک فراوانی با سومری‌ها و اکدی‌ها در بین‌النهرین بود. بر اساس مشاهدهٔ آثار به دست آمده از کاوش‌های باستان‌شناسی مربوط به دوران ایلامیان (پادشاهی قدیم، میانی و جدید)، می‌توان اطلاعاتی از شیوه پوشش در این دوره به دست آورد:

در آثار پیکرسازی مربوط به دوران ایلامیان، مخصوصاً دوران پادشاهی قدیم، پوشش‌ها عموماً نمایانگر پوست گوسفند است. مجسمه‌های این دوران لباس بلند و یکپارچه‌ای را نشان می‌دهند که به استثنای یک شانه و بازو تمامی بدن را می‌پوشاند. تصاویر متعدد دیگری از این نوع لباس را در نقش برجسته‌های به دست آمده از این دوران می‌توان یافت. لباس با برشی ساده که به پوست داده شده، به طرز زیبایی به شکل شالی بلند دیده می‌شود که یک طرف آن روی شانه‌ها گره خورده و شانه دیگر برهنه و آزاد است. در دوره‌های بعدی نیز همین ویژگی بلند بودن را در لباس زنان و مردان می‌توان مشاهده کرد. در برخی موارد، بلندی لباس مردان تا زانوست یا دامن کوتاهی بر تن دارند (مجیدزاده، ۱۳۷۰: ۶۷، ۷۳-۷۴، ۹۵-۹۶؛ صراف، ۱۳۷۲: ۱۱۵-۱۰۹).

۱. لازم به ذکر است که کشف پارچه در محوطه‌های باستانی ایران، بسیار نادر بوده است. مواد آلی موجود در بافت منسوجات باستانی باعث شده است که به مرور زمان این مواد تجزیه و متلاشی شده و از بین بروند و کمتر از سایر اشیاء در دسترس محققان قرار بگیرند.

۲. در این مقاله هر جا که ایلام آمده، منظور تمدن عیلام است. ایلام صورت نوشتاری جدیدتر این واژه است.

جایگاه حجاب در ایران باستان و تقویت هویت فرهنگی ایران معاصر ❖ ۱۵

مهم‌ترین اثری که جزئیات تن‌پوش زنان ایلامی را می‌نماید، نقش برجسته زنی اشرافی بر قیر طبیعی در حال رسیدن نخ و نشسته بر روی چهارپایه است. او پیراهنی بر تن دارد و شالی با حاشیه زیبا روی شانه چپ او را پوشانده است. آستین کوتاه پیراهن در بازوی راست از حاشیه‌ای همانند حاشیه دمپای شال تشخیص داده می‌شود (تصویر ۱: الف).

یکی دیگر از تن‌پوش‌های بی‌نظیر زنان ایلامی در مجسمه عاجی مربوط به هزاره دوم پیش از میلاد است (تصویر ۱: ب). این لباس با تزئینات مخصوصی که دارد لباس رسمی و تشریفاتی زنان ایلامی را نشان می‌دهد. این لباس، دارای دامنی کاملاً بلند با آستینی کوتاه است. علاوه بر این، شالی نیز بر روی شانه این مجسمه قرار دارد که قسمت راست جلو و پشت پیراهن را فراگرفته است و از دوخت‌های تزئینی در حاشیه برخوردار است (غیبی، ۱۳۸۴: ۵۳-۵۲).

تصاویر منقور بر مهرهای ایلامی هزاره سوم پیش از میلاد نیز، اطلاعات مفیدی از شیوه زندگی و محیط زیست مردم شوش به دست می‌دهد: «... ایلامی‌ها با لباسی از پوست شیر و مسلح با تیر و کمان و یک نیزه به شکار مشغول‌اند (Legrain, 1921: 26)، ... مردها نیز با کج‌بیل‌های سه‌شاخه در مزارع مشغول کار و زن‌ها با دامن‌های بلند از درختان میوه می‌چینند». (Ibid: 23)

بر اساس مدارک به دست آمده می‌توان گفت که هر چند پوشش کامل در بعضی از آثار دیده نمی‌شود، اما پوشش به طور نسبی وجود داشته و بیشتر پوشش‌ها بلند بود و قسمت‌های مختلف بدن را می‌پوشانده‌اند. (تصاویر ۱: ج و ۲).

۲- دوره مادها

با توجه به کاوش‌های باستان‌شناسی، مشاهده آثار بازمانده و نظریات باستان‌شناسان، استنباط می‌شود هنگامی که مادها به دنبال همزادگان خود به فلات ایران وارد شدند، باید پوشاکی نظیر پوشاک آنان می‌پوشیدند. این همزادگان (سکاهای تیزخود، سغدی‌ها، پارتی‌ها، زرنکی‌ها، رخجی‌ها، اسگرتی‌ها، ارمنی‌ها، کاپادوکی‌ها و دیگران ...) همگی در

۱۶ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

نقوش تخت جمشید به نمایش گذاشته شده‌اند و شباهت اساسی پوشاک آنها روشن است (تصویر ۳). بر اساس یکی از مهمترین اسناد در این زمینه، یعنی نقش برجسته‌های آشوری، مردان مادی با مویی کوتاه که نواری سرخ به دور آن بسته‌اند، نشان داده شده‌اند. نقوش آشوری آنها را با پیراهنی ساده تا روی زانو با آستینی کوتاه و کفش‌های ساق‌بلند به تصویر کشیده‌اند. آنها روی پیراهن خود یک پوست گوسفند انداخته‌اند (تصویر ۴). «پوستین مادها»، پوستی بلند و بی‌آستین است که تا به پشت زانویشان رسیده است و آن را بر پشت افکنده‌اند. این پوستین سرشانه و روی بازوان آنان را پوشانده است (ضیاءپور، ۱۳۴۶: ۱۱).

در نقوش آشوری، نوع شلوار مادها به خاطر وجود کفش‌های ساق‌بلند دیده نمی‌شود، اما بر اساس نقوش به دست آمده از تخت جمشید و نقوش مهرها، دو نوع شلوار را می‌توان برای آنها ترسیم کرد: شلوار ساده راسته و شلوار پرچین و گشاد^۱ (تصویر ۵).

از خصوصیات دقیق پوشاک زنان این دوره اطلاع چندانی نداریم. بر اساس آثار باستانی به دست آمده، پوشاک زنان آن دوره از لحاظ شکل با کمی تفاوت، با پوشاک مردان یکسان است و مرد و زن به واسطه اختلافی که میان پوشش سرشان وجود دارد، از هم تمیز داده می‌شوند (ضیاءپور، ۱۳۴۹: ۵۴).

با توجه به نقش برجسته آشوری در نینوا که مادها را به زور در حال کوچاندن نشان می‌دهد چنین برمی‌آید که زنان در آن دوره با صورت و مویی باز بودند و پیراهنی تنگ و بلند تا مچ پا با آستینی کوتاه در برمی‌کردند و ظاهراً در فعالیت‌های اقتصادی دوشادوش مردان مشارکت داشتند (سرافراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۹۱). اما بر اساس سایر یافته‌های پژوهشی، زنان مادی پوششی کامل (تصویر ۶: ب) شامل پیراهن بلند چین‌دار و شلوار تا مچ پا و چادر یا شنلی بلند روی لباس‌ها و کفش داشته‌اند (غیبی، ۱۳۸۴: ۱۰۳-۱۰۲).

۱. این نوع شلوار یادآور شلوار گشاد قوم پارت، یکی از همزادگان قوم ماد در مهاجرت به فلات ایران، است. این قوم، بعدها سلسله اشکانی را تشکیل دادند.

جایگاه حجاب در ایران باستان و تقویت هویت فرهنگی ایران معاصر ❖ ۱۷

در هر صورت، می‌توان گفت لباس و پوشاک مادی عموماً شامل کلاه، پیراهن، شلوار، کفش، کمر بند، جُبه و شینل و پوشاک زنان نیز به همین منوال شامل پیراهن، شلوار، کفش و کمر بند بود. بنابراین پوششی کامل در این دوره مشاهده می‌شود (تصویر ۶: الف).

۳- دوره هخامنشیان

تنوع ایالتی و قومی در شاهنشاهی هخامنشی، پوشاک این دوره را متأثر ساخته است، به گونه‌ای که آنها در تکمیل لباس خود^۱ کوشیدند از لباس اقوام مختلف به خصوص مادی و ایلامی استفاده کنند.

این امر، مسلم است که حکومت طولانی مادها بر پارسی‌ها، باعث نفوذ تمدن و فرهنگ آنان در جامعه هخامنشی به‌ویژه در ترتیب اداره امور درباری آنها شده است. در زمینه پوشاک نیز این تأثیر ملموس است (متین، ۱۳۸۶: ۲۲).

گزنهون درباره لباس بلند و پرچین هخامنشیان که همواره در نگاره‌های تخت جمشید به چشم می‌خورد و شاه نیز آن را بر تن دارد، می‌گوید: کوروش این لباس را از مادی‌ها گرفته و تمام کارکنانش را متقاعد کرده تا آن را بر تن کنند و ظاهراً معتقد بوده که این لباس نقص بدن اشخاص را می‌پوشاند و آدمی را زیبا و بالابند نشان می‌دهد (کخ، ۱۳۸۶: ۲۳۶). البته با اطلاعاتی که اینک در دست است، طرح این لباس، ایلامی و از نوعی است که ایلامی‌ها در نگاره‌های آپادانا بر تن دارند.^۲ در عین حال لباس ایلامی‌ها در اصل به مراتب کم‌کارتر و هنوز به گشادی زمان داریوش نبوده است (تصویر ۷). نگاره‌ها می‌گویند که آخرین مرحله تکامل این نوع لباس به زمان داریوش می‌رسد (همان: ۲۳۸).

در رابطه با طرح و برش و دوخت این لباس‌ها بحث‌های زیادی بوده، به طوری که برخی می‌گویند، پارچه‌ای ساده است به طول دو قد انسان و به عرض دو دست باز، با

۱. لباس پارسی

2. Hinz, Aiff, 70 ff; P. Calmeyer, AMI, 21, 1988, 27 ff; B.Goldman, IrAnt, 4, 1964, 133 f.

۱۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

سوراخی برای سر، برخی هم آن را لباس دو تکه بسیار پرکار می‌دانند. درباره دو تکه بودن لباس هخامنشیان گلدمن، باستان‌شناسی که در این باره تحقیق کرده، عقیده دارد: کسی نمی‌تواند به صراحت بگوید که این لباس دو تکه یا یک تکه است (Goldman, 1964: 133-152). برعکس این عقیده، دانشمندی به نام رُس کوشش کرده که دو تکه بودن لباس پارسیان را ثابت کند و در مقاله‌ای می‌نویسد: دو تکه بودن لباس نگهبانان ایلامی کاخ داریوش روی کاشیکاری‌های شوش به خوبی نمایان است. وی چنین ادامه می‌دهد: در شوش لباس نگهبانان ایلامی کاخ داریوش دو رنگ داشته و این امر دو تکه بودن این لباس را ثابت می‌کند. این نوع لباس نگهبانان ایلامی، در شوش بسیار زیاد و مزین بوده و از دو رنگ پارچه (سفید و زرد یا نارنجی و قهوه‌ای) دوخته شده است و نقش روی پارچه عبارت از چهارگوشه‌های زیتنی و گل‌های درشت و زیبایی است که درون، آن اشکال هندسی رنگین قرار دارد. هر لباس از سه قطعه پارچه متفاوت درست شده که به کمک حاشیه‌ها از یکدیگر مشخص می‌شود. بالاترین قطعه لباس آن است که روی شانه‌ها قرار می‌گیرد، این پارچه از مچ دست تا مچ دست دیگری را دربرمی‌گیرد. سوراخی برای عبور سر، در میان دارد و در قسمت جلو تا روی سینه را می‌پوشاند. بعد پارچه‌ای یک‌رنگ به طرف پایین بدن، در جلو تا کمر و در پشت تا زیر نشیمنگاه که روی پارچه چین‌های عمیقی وجود دارد. قطعه سوم پارچه‌ای نسبتاً بزرگ است که به صورت لنگ بسته می‌شود و در پشت و جلو قدی یکسان دارد (Rose, 1951: 137-141).

در رابطه با پوشش زنان هخامنشی، همان لباس چین‌دار هخامنشی و همان کلاهی که مردان بر سر دارند مشاهده می‌شود (تصویر ۸). علاوه بر این، زنان از پوشش دیگری شبیه به چادر استفاده می‌کردند البته این نوع پوشش متعلق به زنان درباری بود، و شامل پارچه مستطیلی بلندی بود که بر سر می‌افکندند و در زیر آن همان لباس چین‌دار هخامنشی را می‌پوشیدند.^۱ در برخی نگاره‌ها زنان در زیر چادر یک پیراهن یا دامن ساده که بلندتر از چادر بود و تا مچ می‌رسید بر تن می‌کرده‌اند (تصویر ۹). همچنین نقوشی که

۱. خانم پروفسور هاید ماری کخ در صفحات ۲۷۸ و ۲۷۹ کتاب خود از زبان داریوش می‌گوید: ظاهراً زنان اشراف، چشم به دربار داشته‌اند و می‌کوشیده‌اند از لباس پربهای درباری تقلید کنند.

جایگاه حجاب در ایران باستان و تقویت هویت فرهنگی ایران معاصر ❖ ۱۹

روی فرش پازیریک^۱ در سیبری پیدا شده، زنانی را نشان می‌دهد که پوششی شبیه چادر روی همه پوشاک خود داشته‌اند (پوربهمن، ۱۳۸۶: ۷۳؛ کخ، ۱۳۸۶: ۲۸۷-۲۷۸). به اعتقاد برخی از مورخان در ایران باستان فقط زنان وابسته به طبقه اشراف موظف به رعایت حجاب بودند و بقیه الزامی در پوشاندن چهره خود نداشتند و این امر از کشف پارچه پشمی کوچکی که آن هم از گورهای پازیریک و توسط رودنکو، باستان‌شناس روس، از دوره هخامنشی یافت شده است، اثبات می‌شود. در نقوش این پارچه، زنان عادی چهره خود را نپوشانده‌اند، اما زنان متشخص و درباری شنلی مانند چادر بر روی سر خود انداخته‌اند (تصویر ۱۰: الف) (راوندی، ۱۳۴۰: ۴۷۶؛ حجازی، ۱۳۷۰: ۱۱۷). البته آثار دیگری از جمله مَهرها هم این نکته را نشان داده‌اند (تصویر ۱۰: ب). البته این امر بدیهی است که لباس بندگان و دیگر طبقات با لباس اشراف درباری متفاوت بوده است.

۴- اشکانیان

در پی تاخت و تازهای اسکندر مقدونی به ایران، شاهنشاهی هخامنشیان سقوط کرد. پس از آن، اسکندر و جانشینانش در حدود یک قرن بر ایران مسلط شدند و زمانی که وضعیت سلوکیان آشفته بود، اشکانیان ایرانی که از پارت‌ها بودند، به حکومت رسیدند. پس از کسب استقلال در حدود سال ۲۴۰ قبل از میلاد، قدرت‌های عمده اطراف آنها هنوز یونانی‌مآب بودند. بنابراین بدون شک هنر و فرهنگ این قوم صحراگرد در ابتدا تأثیر شدید یونانی‌مآبی را نشان می‌دهد. البته هنر و فرهنگ اشکانیان مانند هنر هخامنشی از بسیاری منابع مثل هنر یونانی، هنر مشرق‌زمین و هنر بومی، الهام گرفت و توانست شیوه هنری خاص خود را، که تکامل آن تا اواخر دوران پارتی نیز ادامه یافت، ایجاد کند. مطالعات بیشتری لازم است تا بتوان به کسب تصویر واضح‌تری از جوش خوردن تدریجی فرهنگ‌های یونانی و مشرق و فرهنگی، که توسط پارتیانِ پرتحرک تکامل یافت، امید بست (هرمان، ۱۳۷۳: ۳۱-۳۰).

۱. این فرش بر اساس کشفیات پروفیسور «رودنکو» باستان‌شناس روس، در سال ۱۳۲۷ شمسی در قبور یخ‌زده یکی از پادشاهان «سکایی» در آلتای مغولستان نزدیک نواحی جنوبی سیبری به دست آمده است.

❖ ۲۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

قوم اشکانی مردمی جنگجو و چادرنشین بودند، در رابطه با پوشاک مردان اشکانی می‌توان به نیم‌تنه گشادی که لبه‌های آن روی هم می‌افتد و روشلوار کیسه‌مانند که از ویژگی‌های سبک متداول دوره پارتی و اوایل ساسانی بوده است، اشاره کرد. نوع دیگر لباس این مردمان، پیراهن بلندی بود تا زانو که کمر بند نیز داشت و شلوار گشاد که در کفش ساقه‌بلند فرومی‌رفته است. اشکانیان شلوارهای گشاد و بلند با چین‌های فراوان می‌پوشیدند که کمر شلوار برحسب کمتر یا بیشتر شدن چین‌های شلوار حداکثر تا سه متر^۱ در نظر گرفته می‌شده است (همان: ۴۲-۴۱ و تصویر ۱۱).

به طور خلاصه در رابطه با پوشاک زنان اشکانی (تصویر ۱۲) چنین می‌توان گفت که زنان اشکانی پیراهن بلند، حجیم و پرچین تا روی قوزک پا، آستین‌دار با یقه‌ای راست که در ناحیه کمر، کمری می‌خورده می‌پوشیده‌اند. جنس این پوشاک همگی از پارچه‌های منقش و مزین به قلاب‌دوزی بوده است. همچنین پوششی شبیه به چادر بر روی سر می‌بسته‌اند که براساس نقاشی‌های به دست آمده بیشتر به رنگ‌های ارغوانی و سفید بوده است و شکل کفش‌هایی که زنان استفاده می‌کرده‌اند شبیه کفش‌های مردها بوده است (متین، ۱۳۸۶: ۲۵؛ ضیاءپور، ۱۳۴۹: ۸۳؛ هرمان، ۱۳۷۳: ۶۸).

در این زمینه، صاحب کتاب *تاریخ اجتماعی ایران* نیز می‌گوید: زنان عادی در دوره اشکانی، قبایی تا زانو بر تن می‌کردند و با شنلی که بر سر افکنده می‌شد گیسوان خود را نیز به شیوه یونانیان آرایش می‌کرده و از میان سر فرق باز می‌کردند. از دیگر لباس‌های زنان اشکانی، پیراهنی بلند، گشاد، پرچین و آستین‌دار بود و همچنین پیراهن دیگری که روی اولی می‌پوشیدند. قد پیراهن دوم نسبت به پیراهن اولی کوتاه‌تر و یقه‌باز بوده است. روی این دو پیراهن، چادری نیز بر سر می‌کردند. پیراهن از پارچه‌های منقش به‌ویژه قلاب‌دوزی شده، تهیه می‌شده است. کمربندی نیز گشادی پیراهن آنان را جمع می‌کرد. چادرشان نیز به رنگ شاد و ارغوانی و سفید بوده است (راوندی، ۱۳۴۰: ۴۷۶).

همچنین برخی محققان، ادامه سنت پوشش سر زنان این دوره را در روسری ابریشمین خوش رنگ و نگار و نفیس زنان سنگسری که «ساخته مکنه» نام دارد،

۱. نظیر این نوع شلوار را امروزه در میان دو قوم لر و کرد می‌توان مشاهده کرد.

جایگاه حجاب در ایران باستان و تقویت هویت فرهنگی ایران معاصر ❖ ۲۱

جستجو کرده‌اند. به عقیده صاحب کتاب تاریخ سنگسر - مهدی شهر، سده‌هاست که زنان سنگسری آن را می‌بافند و می‌آریند. آنان این روسری را به ترتیب خاصی بر سر خود می‌بندند، که این خود نمونه کامل پوشش سر زنان در زمان اشکانیان است (اعظمی سنگسری، ۱۳۷۱: ۳۶).

در دوره اشکانیان، پوشش زنان شامل پیراهن- شلوار و در مراسم رسمی و مذهبی همراه با شنل بلندی بوده است که نمونه‌های آن در مجسمه‌های دوره اشکانیان نمایان است. این مجسمه‌ها، بانو/ویال و دخترش را با کلاهی بلند و جواهر نشان همراه با شنل بلندی که در پشت آویزان است و گیسوان بافته و جمع شده و پیراهنی دراپه^۱ و شلوار دراپه و جواهرات فراوان نشان می‌دهد که بسیار یادآور پوشش بانوان هندی است. بنابراین زنان اشکانی در پوشش سر و استفاده از چادر بسیار پیشرفته‌تر از زنان هخامنشی بودند و کلاه عمامه‌وار آنان تقریباً بیشتر موهای آنها را می‌پوشاند (هرمان، ۱۳۷۳: ۶۸؛ غیبی، ۱۳۸۴: ۱۹۱).

۵- ساسانیان

از آنجا که ایران دوره ساسانی، شرق و غرب عالم آن زمان را به هم وصل می‌کرد و یگانه راه داد و ستد بین یونان، روم، بین‌النهرین و آسیای صغیر از یکسو و چین، هند و آسیای میانه از دیگر سو بود، تجارت ایران از رونق فراوان برخوردار شد (هرمان، ۱۳۷۳: ۸۰-۷۹).

نقش برجسته‌های طاق‌بستان خود به تنهایی حدود بیست و پنج طرح رایج پارچه در آن دوران را مشخص کرده است. یکی از این نقوش بسیار مهم، نقش برجسته اردشیر دوم است، کلاه او احتمالاً به جای نمد از فلز گران‌قیمتی درست شده است. ولی شکل خاص کلاه‌های ایرانی را حفظ کرده است. بالاپوش آستین‌دار که در محل کمر بسته شده و روی آن شلواری از پارچه نازک و پرچین دیده می‌شود که در قسمت مچ پاها تنگ‌تر شده است و روی آن دامنی است که از دو پهلو بالا زده شده است و

۱. چین‌دار به صورت افقی

۲۲ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

بدین ترتیب پایین آن به صورت نیم‌دایره درآمده است. این کار را در مواقع سوارکاری و برای آن انجام می‌دادند که راحت‌تر حرکت کنند. یکی از محصولات مشخص پوشاک این دوره، تونیکی است صاف، ضخیم و بلند، که تا زانوها و بر روی شلوار قرار می‌گرفته است. از عمده سربندهای ساسانی می‌توان از کلاهی بلند یا گرد نام برد که به سبک پارت‌ها با حفاظ گردن یا بدون آن است و گاه با نوارهایی بلند و باریک گره می‌خورد و تزئین می‌شود (تصویر ۱۳). از زینت‌های رایج دوران ساسانی، باید به گردن‌آویزه‌های پهن ساده یا مزین اشاره کرد و از عمده رنگ‌های موردپسند مردم در این دوره می‌توان از سرخ، آبی آسمانی و سبز نام برد (سرافراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۲۹۳ و ۲۹۶؛ هرمان، ۱۳۷۳: ۱۵۲-۱۴۹).

بررسی نقوش سنگی و طرح‌هایی از چندین بشقاب باستانی نشان می‌دهد که لباس زنان این دوره نیز تونیکی بلند، پرچین و گشاد بود که می‌توانست آستین بلند یا بی‌آستین باشد، که گاهی با کمربند پوشیده می‌شده است. طرح پارچه‌ها به صورت طرح‌های پر نقش و نگار و هندسی، یا به صورت گلدوزی شده، یا طرح‌های زرکش یا زینتی بود (چیت‌ساز، ۱۳۷۹: ۱۵-۱۴). در زمان ساسانیان همچون دوران پیش از آن، زنان از چادر به عنوان پوشاک رو استفاده می‌کردند و در زیر آن پیراهنی می‌پوشیده‌اند (گلدمن، ۱۳۷۸: ۵۷-۴۷؛ چیت‌ساز، ۱۳۷۹: ۱۵-۱۴) همچنین در این دوره پوشاندن صورت با نقاب نیز در میان زنان ایرانی وجود داشته است (وشنوه‌ای، ۱۳۵۲: ۵۹) (تصویر ۱۴).

جمع‌بندی

بر اساس آنچه بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که در تمامی دوره‌ها و سلسله‌های مذکور، (از ایلامیان تا ساسانیان) پوشش و حجاب وجود داشته است و این موضوع، یعنی حجاب، تنها مختص جامعه زنان نبوده، بلکه پوشش و حجاب هم برای مردان و هم برای زنان رایج بوده است. اگر چه در ابتدای پادشاهی قدیم ایلام، پوشش به طور نسبی وجود داشت، اما در دوره‌های میانی و جدید این پادشاهی، سبک پوشش به مرور

جایگاه حجاب در ایران باستان و تقویت هویت فرهنگی ایران معاصر ❖ ۲۳

کامل شد. در دوره ماد، پوشش کامل را چه برای زنان و چه مردان می‌توان مشاهده نمود. دوره‌های بعدی پوشش‌ها کامل‌تر و پرطمطراق‌تر شد. برای مثال، استفاده از مقدار زیادی پارچه‌های گران‌قیمت و جواهرات برای پوشش در دوره اشکانی، زبانزد است. خانم جورجینا هرمان در کتاب خود *تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان* در این باره چنین می‌نویسد: «پیکره‌هایی در اندازه‌های طبیعی از شاهزادگان و خانواده‌هایشان و... در دوره اشکانی (پارتی) تراشیده شده بود. اینان به شکلی آرام و باوقار با لباس‌های فاخر به شیوه پارتی و جواهرات فراوان نشان داده شده‌اند.» (هرمان، ۱۳۷۳: ۶۸-۶۷)

ذکر این نکته قابل توجه است که هرچند در ایران از گذشته تا به امروز پوشش امری پسندیده و خواستنی بوده است، اما مدارک به دست آمده، حجاب کامل یا به نوعی حجاب برتر را برای طبقه بالای اجتماع و خواص جامعه ضروری نشان می‌دهد. چنانکه پیشتر نیز بیان شد صاحب کتاب *تاریخ اجتماعی ایران* نیز می‌نویسد: «در ایران باستان فقط زنان وابسته به طبقه اشراف موظف به رعایت حجاب بودند و بقیه موظف به پوشاندن چهره خود نبودند.» (راوندی، ۱۳۴۰: ۴۷۶)

همان‌طور که اشاره شد، در ایران باستان داشتن لباس‌های بلند و همچنین حجاب کامل مخصوص طبقات بالا و اشراف بود و علت آن هم بالاتر بودن شأن و مقام مردان و زنان اشرافی و درباری بود. بنابراین این موضوع محرز است که داشتن حجاب هم باعث تمایز و هم مایه فخر و مباهات اشراف نسبت به مردم عادی بود، بویژه در مورد زنان درباری و اشرافی، که بدن آنها نباید در معرض دید هر مرد بیگانه‌ای قرار می‌گرفت. نظیر چنین امری نیز در دنیای معاصر قابل مشاهده است: ملکه انگلیس پوشیدن لباس‌های بدن‌نما، کوتاه و چسبان را در شأن زنان خاندان سلطنتی انگلیس نمی‌داند. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی شبکه خبر، مطبوعات انگلیسی از جمله *سان*^۱ و *بریتیش میل*^۲، با انتشار تصاویری از سفر عروس ملکه انگلیس به کانادا، نوشتند الیزابت دوم، بار دیگر به عروس خاندان سلطنتی، درباره نحوه لباس پوشیدنش تذکر داد چراکه

1. The Sun

2. British Mail

۲۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

وی در این سفر دامن کوتاهی پوشیده بود که در شأن خانواده سلطنتی نیست. به نظر ملکه انگلیس، وی و خاندانش از بقیه مردم بالاتر هستند و در شأن و شخصیت این خانواده نیست که مردان دیگر بدن آنها را دیده و تحریک شوند. (پایگاه اطلاع‌رسانی، نسیم بهشت، ۱۳۹۶)

چند نکته مهم و قابل توجه دیگر بحث این است که اولاً به طور عمده اکثر آثار کشف شده و در دسترس محققان برای مطالعه در زمینه پوشش (اعم از متون نوشتاری، منسوجات، پیکره‌ها، مهرها، نقش برجسته‌ها و ظروف) متعلق به طبقه بالای جامعه است. آنها به لحاظ استطاعت مالی که داشتند، از وسایل تجملاتی با جنس و کیفیت عالی استفاده می‌کردند که تا به امروز باقی مانده است یا به لحاظ قدرت سیاسی درصدد برجای گذاشتن اثری از خود در متون نوشتاری (نقش برجسته‌ها، ظروف، آجرنوشته‌ها، مهرها و...) و غیرنوشتاری (پیکره، ظروف و...) برای آیندگان بودند. در نتیجه به طور ناخواسته، عمده مطالعات بر سنت و سبک پوشش در میان طبقه مرفه و درباری تمرکز دارد. در ثانی، برخی از مدارکی که در همین زمینه به دست آمده است، زنان و مردان خدمتکار یا طبقه پایین را با پوشش ساده و کمتری نشان می‌دهد. برای مثال نقوش منقور بر آثار دوره ساسانی از جمله ظروف زرین و سیمین آن دوران، تصاویری از برخی زنان و مردان دیده می‌شود که حجاب کاملی ندارند و حتی به صورت نیمه‌عریان و عریان نمایانده شده‌اند. این نقوش، اغلب رقاصه‌ها و خدمتکاران درباری هستند که در مهمانی‌ها و خوشگذرانی‌های پادشاه و درباریان وجود داشتند. این نوع پوشش، نشان از جایگاه پایین این افراد دارد و به نوعی ارزش انسانی آنها را تحت الشعاع قرار می‌دهد. نکته مهم دیگر اینکه، در نگاره‌های بر جای مانده از عهد باستان اصولاً بردگان و اسیران جنگی برهنه تصویر شده‌اند و این امر به منظور خفیف کردن آنها صورت می‌گرفت. در همین زمینه، برای مثال همان طور که در بخش پوشاک زنان مادی اشاره شد، آشوریان زنان اسیر مادی را با صورت و مویی باز به تصویر کشیده بودند. بنابراین می‌توان گفت که ارزش، اهمیت و فلسفه والای پوشش و حجاب برای گذشتگان ما کاملاً واضح بود، به طوری که داشتن و استفاده کردن از پوشش کامل برای طبقات بالا اجباری شده بود.

جایگاه حجاب در ایران باستان و تقویت هویت فرهنگی ایران معاصر ❖ ۲۵

مجموعه رفتارها و منش رایج در هر جامعه، زمینه‌ساز پوشش آن جامعه است. علاوه بر این فرهنگ پوشش در هر جامعه مرتبط با سبک‌ها و شیوه‌هایی از پوشش است که در آن جامعه مطرح شده و مقبولیت می‌یابد. برای مثال پوشیدن چادر، تاریخی طولانی به قدمت هویت ایرانی کشور ایران دارد و به عنوان موضوعی ملی مطرح است. پس از ظهور و ورود اسلام به ایران، این نوع پوشش تأیید شد، اما مبنا و فلسفه آن، نوع و شکل دیگری به خود گرفت و گسترش بیشتر و بهتری یافت. به عبارت بهتر، دین مبین اسلام با احترام و ارزشی که برای تمامی انسان‌ها قائل بوده است و این عقیده که «... تنها گرامی‌ترین شما نزد پروردگار باتقواترین شماست...»^۱ حق استفاده از برترین پوشش‌ها را برای همه یکسان می‌داند و به آن توصیه بسیار دارد. به عبارتی، پوشش را چه برای زنان و چه مردان مطرح می‌کند.

البته در طول تاریخ، پوشش در میان اقوام ایرانی امری جدی بوده است و زنان و مردان ایرانی همواره پوشیده بوده‌اند. امروزه گذری بر لباس ویژه هر کدام از اقوام مختلف ایرانی نشان می‌دهد که این پوشاک کاملاً منطبق بر تاریخ، سنت و هویت ایرانی است و از فرهنگ پوشش غربی که یکی از منابع هویتی ایران معاصر است دور هستند. همان طور که قبلاً نیز بیان شد نگرش ایرانیان از قدیم‌ترین ایام تا قبل از کشف حجاب رضاخانی درباره لباس پوشیدن تغییر اساسی نداشت و شاید مهمترین عامل شروع تأثیرپذیری از فرهنگ پوشش غربی همین موضوع باشد و متأسفانه در حال حاضر در بیشتر شهرهای بزرگ و کوچک و حتی روستاهای ایران یک عقب‌گرایی و خودباختگی فرهنگی نسبت به پوشش بومی و ملی در حال رواج است.

این نکته، قابل توجه است که پوشش صحیح و مناسب، آن پوششی است که هم منطبق بر فرهنگ غنی بومی و هم متناسب با شرایط زمانه باشد. علاوه بر این، توجه به این نکته بسیار مهم است که با تکیه بر فرهنگ بومی ایران در زمینه پوشش که بسیار غنی و سازگار با فطرت انسانی است، می‌توان از ورود فرهنگ‌های بی‌پایه و ناآشنا با فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی جلوگیری کرد. البته راه دستیابی به این منظور، آموزش و انتقال مؤثر فرهنگ ایرانی اسلامی به نسل فعلی و آتی است.

۱. إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاهُ (حجرات/ ۱۳)



تصویر ۱: زنان ایلامی

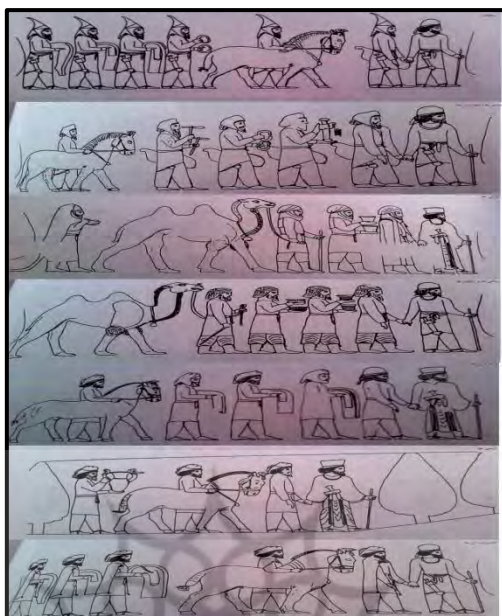
الف) نقش برجسته بانوی ایلامی نشسته در حال رسیدن و خدمتکاری پشت سر وی
ب) پیکره یک زن، اوایل هزاره دوم ق.م، موزه لوور
ج) پیکره مفرغی ملکه ایلامی، قرن سیزدهم ق.م، موزه لوور (مجیدزاده، ۱۳۷۰: تصاویر ۲۲ و ۷۴)



تصویر ۲: مردان ایلامی

الف) پیکره طلائی مردی نیایشگر، اواخر هزاره دوم، موزه لوور (مجیدزاده، ۱۳۷۰: تصویر ۷۹)
ب) سنگ یادمان پادشاه محلی ایلامی (پاتس، ۱۳۸۵: تصویر ۸-۱) و طرح آن (صراف، ۱۳۷۲: تصویر ۴۲)

جایگاه حجاب در ایران باستان و تقویت هویت فرهنگی ایران معاصر ❖ ۲۷



تصویر ۳: طرحی از نقوش برجسته تخت جمشید که به ترتیب از بالا به پایین سگاهای تیزخود، سغدی‌ها، پارتی‌ها، زرنگی‌ها، رخجی‌ها، اسگری‌ها، ارمنی‌ها، کاپادوکی‌ها را در حال آوردن هدایا برای پادشاه هخامنشی نشان می‌دهد (کخ، ۱۳۸۶: ۱۳۴-۱۱۶).



تصویر ۴: نقش برجسته آشوری که مادها در آن نشان داده شده‌اند و طرح یک مادی از روی آن (ضیاءپور، ۱۳۴۶: تصویر ۱۰ ع)



تصویر ۵: مقایسه دو نوع شلوار مادی:

الف) نقش برجسته - شلوار ساده

ب) نقش مهر - شلوار پُر چین (ضیاءپور، ۱۳۴۶: تصویر ۱۰.۹ و ۱۶)



تصویر ۶: زن و مرد مادی

الف) مجسمه سفالی زن مادی، هزاره اول پ.م (پوپ و آکرمن، ۱۳۸۷)

ب) نقش یک جفت زن و مرد ایرانی (منسوب به مادی) داخل در یک قوطی کوچک نقره‌ای در موزه

بریتانیا (نُخ، ۱۳۸۶: تصویر ۱۷۸)

جایگاه حجاب در ایران باستان و تقویت هویت فرهنگی ایران معاصر ❖ ۲۹



تصویر ۷: لباس پارسی و عیلامی: الف) نگاره داریوش در بیستون
ب) سربازان عیلامی در حال حمل خنجر و کمان (تُخ، ۱۳۸۶: تصاویر ۳ و ۱۸۶)



تصویر ۸: نگاره‌ای از سنگ آهک از مصر، زنی با جامه ایرانی - پارسی (تُخ، ۱۳۸۶: تصویر ۱۷۱)

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



تصویر ۹: زنان سوار در نگاره‌ای از داسکیلیون (ارگیلی) (تُخ، ۱۳۸۶: تصویر ۱۶۹)

۳۰ فصلنامه فرهنگ مردم ایران



تصویر ۱۰: زنان پارسی

الف) پارچه از پازیریک، دو زن متشخص همراه خدمتکارانشان در کنار عودسوز
 ب) مهر یکی از زنان متشخص ایرانی که شبیه مجلس شاه بر تخت ساخته شده است (نخ، ۱۳۸۶:
 تصاویر ۱۵۴ و ۱۷۴)



تصویر ۱۱: مردان اشکانی (پارتی)

الف) سوارکار تیرانداز پارتی در کاخ ماداما^۱ (سرافراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۲۳۰)
 ب) مجسمه مفرغی مرد پارتی در موزه ایران باستان - دو طرح از شیوه لباس پوشیدن مردان پارتی
 (هرمان، ۱۳۷۳: ۳۹، ۲۳ و ۴۱)

۱. این کاخ یکی از مجموعه بناهای متعلق به خاندان ساوی در شهرهای تورین و کونیو واقع در استان پیه مونته در شمال ایتالیاست. این مجموعه، در سال ۱۹۹۷ در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید.

جایگاه حجاب در ایران باستان و تقویت هویت فرهنگی ایران معاصر ❖ ۳۱



تصویر ۱۲: زنان اشکانی (پارتی) (هرمان، ۱۳۷۳: ۶۸)



تصویر ۱۳: مردان ساسانی

الف) نقش برجسته شاه ساسانی در حال تاج‌گیری، طاق‌بستان

ب) بشقاب سیمین، چهار نجیب‌زاده در محضر شاه ساسانی، موزه آرمیتاژ

ج) بشقاب نیمه‌مطلا، شاه ساسانی در حال کشتن پلنگ، موزه آرمیتاژ (سرافراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱:

۲۹۶: هرمان، ۱۳۷۳: ۱۰۱، ۱۲۵ و ۱۳۳)



تصویر ۱۴: زنان ساسانی

الف) نقش یک زن با موزاییک‌های رنگی، کاخ بیشاپور

ب) طرح نقش زنان بر روی بشقاب‌های فلزی (سرافراز و فیروزمندی، ۱۳۸۱: ۲۸۴؛ گلدمن، ۱۳۷۸: ۵۷-۴۷)

۳۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

منابع

- آشنا، حسام‌الدین و محمدرضا روحانی (۱۳۸۹). «هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی». *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره سوم، ش ۴، صص ۱۸۵ - ۱۵۷.
- ادوارد، سعید (۱۳۸۹). *برخورد تمدن‌های غرب و اسلام*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- اعظمی سنگسری، چراغعلی (۱۳۷۱). *تاریخ سنگسر - مهدی شهر*، چاپ اول، بی‌جا.
- پاتس، دنیل تی (۱۳۸۵). *باستان‌شناسی ایلام*، ترجمه زهرا باستی، تهران: انتشارات سمت.
- پوربهمن، فریدون (۱۳۸۶). *پوشاک در ایران باستان*، ترجمه هاجر ضیاء سیکارودی، تهران: امیرکبیر.
- چیت‌ساز، محمدرضا (۱۳۷۹). *تاریخ پوشاک ایرانیان*، تهران: انتشارات سمت.
- حجازی، بنفشه (۱۳۷۰). *زن به ظن تاریخ*، چاپ اول، تهران: شهرآب.
- دورانت، ویل (۱۹۳۹). *تاریخ تمدن: یونان باستان جلد دوم*، مترجم: امیرحسین آریان‌پور، فتح‌الله مجتبایی، هوشنگ پیرنظر، ویراستاران: نادر هدی، خشایار دیهیمی، فتح‌الله مجتبایی، هرمز همایون‌پور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- راسل، برتراند (۱۹۲۹). *زناشوئی و اخلاق*، مترجم ابراهیم یونسی، تهران: انتشارات کاویان.
- راوندی، مرتضی (۱۳۴۰). *تاریخ اجتماعی ایران*، چاپ سوم، تهران: سپهر.
- سرافراز، علی‌اکبر و بهمین، فیروزمندی (۱۳۸۷). *باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، تدوین: حسین محسنی، محمدجعفر سروقدی*، تهران: انتشارات مارلیک.
- صراف، محمدرحیم (۱۳۷۲). *نقوش برجسته ایلامی*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.

جایگاه حجاب در ایران باستان و تقویت هویت فرهنگی ایران معاصر ❖ ۳۳

ضیاءپور، جلیل (۱۳۴۶). «بررسی مدارک مربوط به پوشاک ایرانیان و رسیدگی به نوشته‌ها و نظریات شرق‌شناسان در این باره»، هنر و مردم، دوره ۶، شماره ۶۵، صص ۱۱-۲۴.

ضیاءپور، جلیل (۱۳۴۹). پوشاک زنان ایران از کهن‌ترین زمان تا آغاز شاهنشاهی پهلوی، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.

غیبی، مهرآسا (۱۳۸۴). تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، تهران: انتشارات هیرمند.
فاضلیان، پوران‌دخت (۱۳۸۹). «بررسی رابطه نوع حجاب و میزان امنیت اجتماعی در بین زنان شهر تهران» پژوهش‌نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم، صص ۶۵-۸۶.

کُخ، هاید ماری (۱۳۸۶). از زبان داریوش، مترجم پرویز رجیبی، تهران: نشر کارنگ.
گلدمن، برنارد (۱۳۷۸). «پوشاک زنان در دوره ساسانی (۱)»، ترجمه محسن زیدی و محمدتقی عطایی، باستان‌پژوهی، ش ۴، صص ۵۷ - ۴۷.

متین، پیمان (۱۳۸۶). پوشاک ایرانیان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۰). تاریخ و تمدن ایلام، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
هرمان، جورجینا (۱۳۷۳). تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

وشنوه‌ای، قوام‌الدین (۱۳۵۲). حجاب در اسلام، ترجمه: احمد محسنی گرگانی، بازنویسی محمدحسین حق‌جو، قم: انتشارات پیامبر اسلام.

Calmeyer, P. (1988). "Zur Genese altiranischer Motive X. Die elamisch-persische

Tracht," AMI n.s. 21, 27-51.

Goldman, B. (1964). "Origin of the Persian Robe" Iranica Antiqua 4:133-52.

Legrain, L. (1921). "Empreintes de cachets elamites", Memoires de la Mission archeologique de Perse 16, 1921: 1 ff.

❖ ۳۴ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

فصلنامه
فرهنگ
مردم
ایران

شماره ۴۸ و ۴۹ بهار و تابستان ۱۳۹۶

Memoires de la Mission archeologique de Perse, Vol: XV-XXVIII, Paris, 1914-39.

Roes, A. (1951). "The Achaemenid Robe," Bibliotheca Orientalis 8, 1951, pp. 137-41.

تارنمای مجازی

«کاش زنان ما هم اهمیت می‌دادند» در نسیم بهشت (تاریخ دسترسی در:

:۱۳۹۶/۵/۱۵)

www.nasimebehesht.bloyfa.com/post/339

